

حق خود گذشته است؟ مردمی را در دادگستری می بینیم که وقتی ملکی از آنها گرفته می شود، ده بار اعاده دادرسی می دهند. این تجربه همه ملت ماست. اگر کسی حق ما را گرفت بگوییم یکی دو بار رفتیم و زور گفت. چند بار دیگر هم می رویم. باید حق خود را بگیریم.

حق را باید گرفت. صد بار هم بشود باید رفت. نباید خسته و ناامید شویم. باید روش های خود را اصلاح کنیم و حرکت هایی را تعقیب کنیم که به نتیجه برسیم. دنیای زورگویی و قلدری است و قلدرها حاکم دنیا هستند. انسان های بی منطق دارند دنیا را مدیریت می کنند و به هیچ اصلی هم پایبند نیستند. فقط به زور بازو و صدای کلفت و پول در جیبشان می نازند، ولی انسانیت و بشریت نباید تسلیم شود. جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی آمده است که بگوید بشر نباید تسلیم زورگویی و بی منطقی شود. پس اول باید خودمان این را انجام دهیم و نباید تسلیم شویم. اینکه می گویم به پیشینه تاریخ کشور خود افتخار می کنم، برای همین است که ۴۶ سال تسلیم نشده ایم. هزینه ای که ملت ما داده است را در برابر دستاورد هایش کم می دانم. ما خیلی از راه های نرفته را رفته ایم و خیلی از درس ها را برای خود و ملت ها تجربه کرده ایم. اتفاقی که برای اوکراین و زلنسکی رخ داد را ببینید. ملت ما نشان داد که خیلی توانمندتر از این حرف هاست، آن هم بدون پشتوانه غربی ها. غربی ها و شرقی ها دشمن ما بوده اند. همسایه ها با ما دشمنی می کردند و هنوز هم خیلی هایشان پنهان و آشکار دشمن ما هستند. ولی ملت ایران به خوبی ایستاده و مقاومت کرده و سرفراز است. اما هزینه هایی که داده در قبال چیزی که دریافت کرده، بسیار کم است. البته هیچ کس نباید به سختی و مشکلات مردم راضی باشد.

پس قبول دارید که بحث تحریم، یک بحث جدی است؟

حتماً جدی است ولی نه اینکه همه زندگی خود را به آن گره بزنیم که تا رفع تحریم نشود، هیچ کاری نمی توان کرد، این هم اشتباه است. هر وقت گفتیم که می خواهیم مشکلات کشور را حل کنیم، ابتدا گفتیم باید تحریم برداشته شود. تحریم باید برداشته شود؛ اما از اتفاقات داخلی نباید غافل و رویگردان شد. بسیاری از کارها را می توانیم انجام دهیم و مشکلات خود را کم کنیم. برخی را هم می توانیم حل کنیم. فشار تحریم ها را هم می توانیم کم کنیم. قبول دارم که تا تحریم ها هست، درگیر مشکلات خواهیم ماند. ولی می توانیم با تدابیر خودمان، فشارها را کم کنیم. نباید آدرس غلط دهیم.

من هر دو آدرس را برای ملت خود غلط

می دانم. اینکه بگوییم بدون کار بین المللی و تحریم شکنی و حضور قدرتمندانه در فضای بین المللی می توانیم خودمان، مشکلات مان را حل کنیم، نه این طور نیست. امروز دنیا یکی دنیای یکپارچه و به هم پیوسته است. زندگی امروز دنیا به هم پیوسته است. نمی شود از زندگی امروز دنیا غافل شد. ما نیازهای مشترکی داریم و باید داد و ستد کنیم و روابط داشته باشیم. سیاست جمهوری اسلامی هم از اول همین بوده است. از طرفی هم اینکه بگوییم مشکل اساسی، تحریم است و تا تحریم را حل نکنیم مشکلات کشور حل نمی شود، این هم آدرس ناقصی است. هم باید با تحریم با تمام قدرت بجنگیم و هم باید مسائل داخلی خود را با جدیت حل کنیم و به پیش ببریم. مشکل غیر از نظام اداری که توضیح دادم، خود ساختارهایمان است که نیازمند بازنگری است. نظام گذشته را کنار زده ایم و نظام جدیدی را با استفاده از تجربه نظام گذشته و تجربه های جهانی و ایده های خود، ایجاد کرده ایم. چند دهه تجربه کرده ایم، اما جاهایی نشان داده شده که ناکارآمدیم. وقت آن است که اصلاحش کنیم. در ساختارهایمان هم اشکال داریم و برخی دستگاه های موازی داریم. برخی دستگاه ها را داریم که کارآمدی لازم را هم ندارند. همین طور ارتباطات و شبکه های تصمیم گیری و مراتب تصمیم گیری نشان داده که آن ظرفیت مناسب را برای حل مشکلات کشور نداریم. مدام شواری جدید و مجموعه و نشست جدید تشکیل می دهیم. این نشان می دهد که این ساختار آفت دارد یا ناتوان و ناقص است و باید اصلاح شود.

ما تجربه های خوبی را پشت سر گذاشته ایم. جلوی چشم ما هم نظامات مختلف دنیا هستند که برخی موفق و برخی دیگر ناموفق هستند. به تجربه های موفق جهانی و خودمان دقیق شویم و نگاه کنیم، این تجربه ها را باهم جمع کنیم و اصلاحاتی که نیاز است در ساختارهایمان انجام دهیم. زیرا این بخشی از آن مسائل نظام اداری ما را پوشش



اینکه بگوییم بدون کار بین المللی و تحریم شکنی و حضور قدرتمندانه در فضای بین المللی می توانیم خودمان، مشکلات مان را حل کنیم، نه این طور نیست. امروز دنیا یک دنیای یکپارچه و به هم پیوسته است

می دهد. نظام اداری یک کار تاکتیکی و دارای روشی خاص است. ولی ساختارها هم جای اساسی خود را دارد که باید به آن پرداخت.

به دهه هشتاد و دوره آقای احمدی نژاد

اشاره کردید. چرا در آن زمان، اصولگرایانی که متوجه تغییر ریل سیاست گذاری کشور از سوی ایشان شده بودند به ایشان اعتراض نمی کردند و از اعتراض به ایشان ابا داشتند؟ حتی سال ۸۸ هم از ایشان حمایت کردند. هر زمان را با شرایط خاص خودش باید سنجید. ملت ما در هر دوره ای در برابر شعارها، پیام ها، شگردها، تبلیغات و چهره ها بازخوردی دارند و اعتماد می کنند که برخی اوقات اعتمادشان موفق و برخی اوقات ناموفق است. همچنین برخی اوقات درست یا غلط اعتماد می کنند. البته اصولگرایان در آن دوره مرتکب اشتباه شدند و این یک تجربه مشترک است و بحث اصولگرا و غیراصولگرا نیست، بلکه بحث تجربه ملی است. ملت ها باید حواسشان جمع باشد و در انتخاب هایشان دقت کنند. همیشه باید حواسمان جمع باشد که خوب گزین باشیم. البته اگر توجه نکنیم و ساده انگاری کنیم و تسلیم یک سری شعار و ظاهر و وعده و قول و قرار شویم، نباید در صورت اشتباه و شکست از گروه پیروز انتقام بگیریم و سنگ اندازی و کارشکنی کنیم. این صبر کنیم و دفعه بعد اشتباه نکنیم. این سرنوشت ملت هاست. همه باید حواسمان جمع باشد که اشتباهات خود را تکرار نکنیم.

اگر به دولت آقای احمدی نژاد بپردازیم

ایرادی ندارد؟ همه مشکلات کشور که در دولت آقای احمدی نژاد نبوده است. خیلی حرف و بحث در ابعاد مختلف در کشور داریم.

آقای احمدی نژاد ابتدا اصولگرایان را وارد

دولت کرد و کم کم آنها را از دولت کنار گذاشت و طیف دیگری را وارد دولت کرد. مشکل این کار کجا بود و پیامدهایش برای کشور چه بود؟ چون این نگاه با نگاه اصولگرا خیلی متفاوت است.

ما همه انقلابی هستیم و از ابتدای انقلاب هم با تفکر عقلانی که نیاز به انقلاب بود، به پیروزی رسیدیم. اصولگرایان هم از ابتدا به تفکر عقلانی پایبند بوده اند. آنچه که دستاورد امروز است، این نگاه عقلانی است که بین همه گروه ها ساری و جاری بوده است. در دسته بندی سیاسی هم اصولگراها به این نکته پایبند هستند. ولی بین طیف های سیاسی، برخی نگاه های افراطی و تندروانه وجود دارد که در همه تیپ ها هم هست. حتی در لیبرال ها یک سری معتدل و تندرو داریم.